گزارش

خانه‌های معطل

شـرق: در نشست جهانی مسـکن بارسلون شهرداران شـهرهای بزرگ از زمین‌هایی گفتند که سال‌هاست قرار است به خانه تبدیل شوند. در بارسلون ۶۵ محدوده شـهری وجود دارد که ظرفیت سـاخت نزدیک بـه صد هزار خانه را دارند. زمین‌ها در طرح‌های شـهری پیش‌بینی شـده‌اند، اما خانه‌ها هنوز سـاخته نشـده‌اند. بعضی پروژه‌ها سـال‌ها در انتظار مجوز مانده‌اند و بعضی دیگر سرمایه لازم را برای ساخت ندارند. این وضعیت در شهری ادامه دارد که افزایش اجاره‌بها زندگی را برای بسیاری از ساکنان دشوار کرده است. بارسلون از سوم تا پنجم نوامبر میزبان نشست جهانی مسکن بود. نمایندگان شـهرهایی مانند پاریس، آمستردام، میلان و دوبلین در این نشست درباره بحران مسکن گفت‌وگو کردند. مسئله مشترک آنها کمبود خانه‌های قابل پرداخت برای شـهروندان بود. در بسـیاری از شهرهای اروپایی حتی کسانی که شغل و درآمد ثابت دارند برای اجاره خانه با مشکل روبه‌رو شـده‌اند. برخی ناچارند از محله‌هایی که سـال‌ها در آنها زندگی کرده‌اند بروند و بعضی دیگر توان خرید نخستین خانه خود را ندارند. یکی از بحث‌های مهم نشست به زمین‌هایی اختصاص داشت که امکان ساخت‌وساز در آنها وجود دارد اما سال‌ها بدون استفاده باقی مانده‌اند. بارسلون اکنون بررسی ۶۵ محدوده برنامه‌ریزی شهری را آغاز کرده است. برآوردها نشان می‌دهد در این محدوده‌ها می‌توان نزدیک به صد هزار واحد مسـکونی سـاخت. رامون گارسـیا بـراکادو، حقـوق‌دان و متخصص برنامه‌ریزی شهری، در این نشست توضیح داد قرار است دلایل توقف یا کندی اجرای طرح‌ها شناسـایی شود. مشکلات مالی و طولانی‌شـدن مراحل اداری از مهم‌ترین موانع هستند. جوزپ آنتونی مارتینز زاپلانا، رئیس اتحادیه ساخت‌وساز بارسلون نیز از زمـان طولانی اجـرای پروژه‌ها انتقاد کرد. به گفته او سـاخت برخی پروژه‌های مسکونی ممکن اسـت تا هفت سال طول بکشد. او خواسـتار کوتاه‌شدن مراحل صدور مجوز و همکاری بیشـتر دسـتگاه‌های دولتی با سـازندگان شد. هفت سال انتظار برای سـاخت خانه در شهری که اجاره‌بها بخش بزرگی از درآمد خانوارها را می‌بلعد زمان کوتاهی نیسـت. در این مدت خانواده‌های تازه‌ای وارد بازار مسـکن می‌شوند و تقاضا افزایش پیدا می‌کند. با این حال زمینی که قرار بوده بخشی از نیاز مسکن شهر را تأمین کند همچنان در انتظار ساخت می‌ماند.

اجاره‌ها پایین آمده‌اند؟

بارسـلون از مارس ۲۰۲۴ مقررات کنترل اجاره را اجرا کرده است. دولت محلی کاتالونیا می‌گوید اجرای سیاسـت‌های تنظیم بازار در مناطق تحت فشـار توانسته اجاره‌هـا را بین ۹ تا ۱۱ درصد کاهش دهد. با این حال داده‌های رصدخانه مسـکن کلان‌شـهری بارسـلون تصویر محدودتـری از کاهش قیمت‌ها نشـان می‌دهد. براسـاس این داده‌ها، میانگین اجاره قراردادهای جدید در بارسـلون از ۱۱۹۳ یورو در ماه در سـه‌ماهه نخست سال ۲۰۲۴ به ۱۱۶۱ یورو در سه‌ماهه پایانی سال ۲۰۲۵ رسـیده اسـت؛ یعنی کاهش اسـمی حدود ۲.۷درصدی. این دو عدد به دوره‌ها و محدوده‌هـای متفاوتی مربوط هسـتند، اما هـر دو یک نکته را روشـن می‌کنند: بارسلون توانسته تا اندازه‌ای جلوی افزایش اجاره را بگیرد ولی هنوز با مسکن گران دسـت‌وپنجه نرم می‌کند. گرگلی کاراچونی، شهردار بوداپست، در همین نشست از شکاف میان نسل‌ها سخن گفت. او توضیح داد جوانانی که از حمایت مالی خانواده برخوردارند، شانس بیشـتری برای ورود به بازار مسکن دارند. در مقابل کسانی که چنین پشتوانه‌ای ندارند باید بخش بزرگی از درآمد خود را صرف اجاره کنند. به این ترتیب وضعیت مالی خانواده بیش از گذشـته بر امکان خانه‌دارشـدن نسل جوان اثر می‌گذارد.

شهر برای چه کسانی می‌ماند؟

در نشسـت شـهرداران که با عنوان «حق ماندن» برگزار شـد، بحث از تعداد خانه‌های ساخته‌شـده فراتر رفت. نمایندگان شهرهایی از اروپا و آمریکای شمالی و جنوبی درباره سـاکنانی صحبت کردند که دیگر تـوان پرداخت هزینه زندگی در شهر خود را ندارند. برای بسیاری از این افراد ترک محله فقط به معنای عوض‌کردن خانه نیست؛ با جابه‌جایی محل سکونت ممکن است مسیر رفت‌وآمد به محل کار طولانی‌تر شـود، کودکان از مدرسه و دوستان خود دور شـوند و خانواده‌ها ارتباط روزانه با همسـایه‌ها و بستگانشـان را از دسـت بدهند. ژائومه کولبونی، شهردار بارسلون، در این نشست خواستار اختصاص منابع مالی بیشتر به شهرداری‌ها برای ساخت مسکن مقرون‌به‌صرفه شـد. او معتقد است شهرها بدون حمایت مالی و اختیارات قانونی کافی نمی‌توانند پاسـخ‌گوی بحران مسکن باشند. بارسلون برای افزایش عرضه خانه برنامه‌ای با عنوان «Pla Viure» در دست اجرا دارد. شهرداری در این برنامه ساخت مسکن جدید و نوسـازی ساختمان‌های موجود و حمایت از خانوارهای آسـیب‌پذیر را دنبال می‌کند. یکی از هدف‌های اعلام‌شده، تحویل کلید سه هزار خانه تا سال ۲۰۲۷ است. خوان رامون ریرا، مسئول سیاست‌گذاری مسکن شـهرداری بارسلون نیز پیشنهاد کرد مسکن در کنار دیگر خدمات اساسی به عنوان پنجمین رکن دولت رفاه شناخته شود. به اعتقاد او دولت‌ها باید مسئولیت بیشتری در تأمین خانه برای شهروندان بپذیرند.

خانه بدون مالکیت فردی

در کنار سـاخت مسـکن عمومی، تجربه تعاونی‌های مسـکن نیز در بارسلون بررسی شد. در این شیوه قرار نیست همه ساکنان مالک فردی واحد مسکونی خود باشـند؛ افراد می‌توانند با عضویت در تعاونی از حق سـکونت بلندمدت برخوردار شوند و هزینه‌ای متناسـب با قواعد تعاونی بپردازند. تجربه‌هایی از آلمان، هلند و کاتالونیا در این نشست مطرح شـد. هدف چنین طرح‌هایی آن است که دسترسی به خانه فقط به توانایی خرید ملک وابسـته نباشد. البته اجرای این برنامه‌ها بدون تأمین زمین و حمایت مالی و مقررات مشخص امکان‌پذیر نیست. در بخش دیگری از نشسـت، موضوع افزایش تراکم سـاختمانی در محله‌های موجود بررسی شد. شـهرهای بزرگ برای ساخت خانه‌های بیشتر با کمبود زمین روبه‌رو هستند و یکی از پیشـنهادها، استفاده بهتر از زمین‌های داخل شهر اسـت. اما لائورا لیتو، معاون شـهردار ناپل، نسبت به پیامدهای اجتماعی نوسازی محله‌ها هشدار داد. به گفته او، اجرای طرح‌های بازآفرینی ممکن است قیمت زمین و خانه را بالا ببرد و ساکنان قدیمی را ناچـار به ترک محله کند. این نگرانی به‌ویـژه درباره محله‌هایی مطرح است که سال‌ها محل زندگی خانوارهای کم‌درآمد بوده‌اند. نوسازی ساختمان‌ها و خیابان‌ها می‌تواند شرایط محله را بهتر کند اما اگر هزینه سکونت هم‌زمان افزایش پیدا کند چه کسانی از این تغییرات بهره‌مند می‌شوند؟

شهرداری‌ها پول کافی ندارند

مسـئله تأمین مالی نیز یکی از موضوعات اصلی نشسـت بـود. متیو بالدوین، مسـئول کارگروه مسکن کمیسـیون اروپا، اعلام کرد پاسـخ به نیازهای مسکن اروپا سالانه حدود ۱۵۰ میلیارد یورو سرمایه‌گذاری اضافی می‌خواهد. او بر ضرورت تأمین منابع بلندمدت و افزایش اختیارات شـهرداری‌ها برای تنظیم بازار اجاره کوتاه‌مدت تأکید کرد. در شـهرهایی که اجاره گردشـگری رونق دارد، بخشی از خانه‌ها به‌جای سکونت دائمی، در اختیار مسافران قرار می‌گیرند. این موضوع به یکی از نگرانی‌های مدیران شـهری درباره کاهش عرضه مسـکن تبدیل شده اسـت. در پایان نشست بارسلون، شـهرداران درباره چند مسیر برای مقابله با بحران مسکن گفت‌وگو کرده بودند. سـاخت خانه‌های بیشتر و کنترل اجاره و گسترش مسکن عمومی و حمایت از تعاونی‌هـا از جمله این راهکارها بود. با این حـال اجرای هرکدام به منابع مالی و تصمیم‌های قانونی و همکاری دولت‌ها با شـهرداری‌ها وابسـته اسـت. در خود بارسلون هنوز سرنوشـت ۶۵ محدوده شهری مشخص نشده است. برآورد ساخت نزدیک به ۱۰۰ هزار خانه وجود دارد اما نه زمان اجرای همه پروژه‌ها روشن است و نه معلوم است چه تعداد از این خانه‌ها با درآمد خانوارهای کم‌درآمد و متوسط تناسب خواهند داشـت. برای ساکنانی که امروز در جست‌وجوی خانه هستند، فاصله میان ظرفیت ساخت روی کاغذ و تحویل کلید یک مسئله واقعی است.

از دشنام تا ترفیع؛ روایت پنج سال برخورد با منتقدان شورا

پاداش توهین


عکس: سعید کجی، شورای اسلامی شهر تهران

برخورد با منتقدان در دستور کار قرار گرفت: «از روز اول به‌جای روند اصلاحی، روند تخریبی در پیش گرفته شد، آن هم با شیوه‌هایی که پیگیری آنها سخت باشد».

نورا حسـینی: دو مدیر شـهرداری تهران پس از توهین به اعضای شورای شهر، به شهرداری مناطق منصوب شدند؛ یکی از آنها پیش‌تر با دستور مهدی چمران از صحن شورا اخراج شده بود. ناصر امانی می‌گوید چنین برخوردهایی در هیچ دوره‌ای از مدیریت شهری سابقه نداشته و حالا به یک رویه تبدیل شـده است. مهدی اقراریان نیز از تلاش برای سـاکت‌کردن منتقدان با استفاده از رسانه‌ها، تخریب و پرونده‌سازی سـخن می‌گوید؛ اختلافی که از نخستین سال شهرداری علیرضا زاکانی آغاز شد و پس از نزدیک به پنج سـال همچنان ادامه دارد. علیرضا زاکانی در آغاز دوره ششم مدیریت شهری، خود را عضو بیسـت‌ودوم شورای شـهر تهران معرفی می‌کرد. آن روزها قرار بود شهردار در کنار ۲۱ عضو شورا، اداره تهران را پیش ببرد، اما در سال‌های بعد، رابطه شهرداری با تعدادی از اعضای شورا چنان پرتنش شد که حتی رئیس شورا نیز چند بار ناچار به دخالت شد؛ از درخواست توبیخ کتبی یک مدیر تا بیرون‌کردن مدیر دیگری از صحن. با این حال، هر دو مدیر پس از این اتفاقات به شـهرداری مناطق منصوب شـدند. اکنون ناصر امانی و مهدی اقراریان، دو عضو منتقد شـورا، در گفت‌وگوهایی تازه از برخوردهایی می‌گویند که به اعتقاد آنها دیگر به چند اختلاف شخصی یا سیاسی محدود نیست. ناصر امانی در گفت‌وگو با «شـرق» می‌گوید: «واقعا در هیچ دوره‌ای از مدیریت شهری چنین برخوردهای اهانت‌آمیزی با شورا و اعضای آن نشده است. یک مدیر شهرداری اعضای شورا را با پسماند مقایسه کـرد و بعد ارتقا گرفت. مدیر دیگری هم به یکی از اعضـا توهین کرد و او هم ارتقا گرفت». به گفته او، ماجرا همچنان ادامه دارد: «الان کار به جایی رسـیده که در جلسات رسمی شهرداری، در حضور نمایندگان معتمدان محلات، یک مدیر شـهرداری به‌راحتی درباره شـورا قضاوت می‌کند، مشکلات را گردن اعضای شـورا می‌اندازد، اسـم آنها را می‌آورد و می‌گوید همه مشکلات مشارکت اجتماعی متوجه این افراد اسـت». امانـی می‌گوید به همین دلیل بار دیگر تذکر داده اسـت: «این روش دیگر به یک رویه تبدیل شـده اسـت. تازه اینها رفتارهای آشکارشان است؛ کارهای غیررسمی و پشت‌پرده و حملات رسـانه‌ای هم وجود دارد. پست‌هایی که در اینسـتاگرام و فضای مجازی منتشر می‌شود، به‌راحتی قابل مشاهده است». او البته ریشه اختلاف را در رابطه شهردار و شورا می‌بیند؛ رابطه‌ای که به گفته او با وجود قوانین مشخص، در دوره‌های مختلف تابع سلیقه شهرداران بوده است. امانی از دوره محمدباقر قالیباف تا شـورای پنجم و سه شهردار آن دوره مثال می‌آورد و می‌گوید در هر دوره، شـیوه پاسخ‌گویی شـهردار، مکاتبات و حتی نحوه مطالبه اعضای شورا متفاوت بوده است: «چرا در هیچ دوره‌ای روابط شورا و شهردار یک رابطه تعریف‌شده و قانونی نیست؟ شهرداری که رأی می‌آورد، خود را ملزم نمی‌داند طبق قانون، مجری مصوبات شـورای اسـلامی شـهر باشد». او تأکید می‌کند: «قانون کاملا مشـخص کرده شهردار باید از شـورا رأی بگیرد، پاسخ‌گوی شورا باشد و مصوبات آن را اجرا کند. نحوه تذکر، سـؤال و استیضاح شهردار هم در قانون آمده است. اما وقتی هرکس برداشت شخصی و سلیقه‌ای خودش را از قانون داشته باشد، نتیجه همین وضعیتی می‌شود که الان داریم». امانی در پاسخ به اینکه از شهرداری که در ابتدای دوره بر همراهی با شورا تأکید داشت چه انتظاری می‌رفت، می‌گوید: «ما توقعمان از شـهرداری که در ابتدای دوره گفت من یار دوازدهم شورا هستم، چیز دیگری بود. عملکرد ایشـان در نزدیک به پنج سـال گذشـته در قبال شـورا و اعضای آن دقیقا برعکس بوده است».

اقراریان: قرار بود نظارت کنیم، نه رفاقت

مهدی اقراریان، دیگر عضو شـورای شهر تهران، مسئله را به شخصیت و نگاه شهردار به نهاد نظارت مرتبط می‌داند. او در گفت‌وگو با «شرق» برای توضیح این موضوع سراغ کتاب «خلقیات ما ایرانیان» محمدعلی جمالزاده می‌رود و می‌گوید خلق‌وخو و الگوی فکری شهردار در نوع برخورد او با شـورا اثرگذار است. اقراریان می‌پرسـد: «مسئله این است که شهردار چقدر شورا را به معنای واقعی کلمه به رسمیت می‌شناسد؟ یا به دلیل وابستگی به اجزای قدرت، احزاب، گروه‌های سیاسی و افراد خاص فکر می‌کند می‌تواند ظرفیت‌های خودش را فراتر از چارچوب‌های قانونی برای فشار بر شورای شهر بسیج کند؟» او تأکید دارد این مشکل مخصوص دوره زاکانی نیست و از شورای اول تاکنون وجود داشـته است. با این حال، معتقد است ادامه این وضعیت می‌تواند نظارت شورا را از کارکرد اصلی آن دور کند: «نهاد نظارت هر روز بیشتر از گذشته تضعیف می‌شود و این خطر وجود دارد نظارت شـورای شهر به یک نظارت نمایشی تبدیل شـود». اقراریان در توضیح شیوه برخورد با منتقدان از ابزارهای رسـانه‌ای نام می‌برد: «با برچسـب‌زدن به منتقدان، تعریف پروژه تخریب و حتی پرونده‌سـازی تلاش می‌کنند آنها را در فضای سیاسـی منزوی کنند. این فقط مسئله شورای شهر تهران نیست؛ ما درباره یک نمونه از ده‌ها نمونه مشابه در کشور صحبت می‌کنیم». او معتقد است برخورد با منتقدان شورا، فقط مسئله اعضای این نهاد نیست و بر مشارکت شهروندان هم اثر می‌گذارد: «بعضی‌ها تصور می‌کنند مردم نسبت به آینده شهر بی‌تفاوت شده‌اند و دیگر دغدغه‌ای ندارند، اما من فکر می‌کنم مردم احساس می‌کنند انتقادشان اثری ندارد. وقتی می‌بینند نماینده‌ای که قرار اسـت صدایشان را به شهردار برسـاند، خودش زیر هجمه رسانه‌ای قرار می‌گیرد، ناامیدتر می‌شـوند». اقراریان کاهش مشارکت در انتخابات شـوراها را نیز با همین موضوع مرتبط می‌داند و می‌گوید شـوراهایی که با مشارکت حداقلی شکل می‌گیرند، اگر نتوانند صدای شهروندان منتقد باشـند، اعتماد عمومی بیش از گذشته آسیب می‌بینند. او سپس به روزهای نخست شورای ششم برمی‌گردد؛ شورایی که تقریبا همه اعضای آن از یک فهرست سیاسی انتخاب شده بودند. به گفته اقراریان، همان زمان عده‌ای تصور می‌کردند به دلیل یکدسـتی شـورا و شهرداری، صدای انتقادی شـنیده نخواهد شـد: «ما باید بین رسـالت حرفه‌ای و قانونی خودمان برای نظارت بر شـهردار و رفیق‌بازی، باندبازی و جناح‌بازی یکی را انتخاب می‌کردیم. اینکه چون متعلق به یک جریان سیاسی هستیم، نباید انتقاد کنیم تا جریان رقیب سوءاستفاده نکند». او می‌گوید به‌جای رسیدگی به انتقادها، این آب‌ها گفتند؛ از مسـیرهایی که هنوز نقشـه دقیقی ندارند تا قنات‌هایـی که می‌توانند دوباره در تأمیـن آب و زندگی محله‌ها نقش داشته باشند.

کوچه‌هایی که آب ساخت

تهران پیش از آنکه خیابان کریم‌خان و بازار و سـاختمان‌های امروزی‌اش را داشـته باشد، قنات داشـت. عابدی می‌گوید یکی از قنات‌هـای محدوده تاریخی شـهر، حدود ۷۰۰ سـال قدمت دارد، مسـیر آن از حوالی بهجت‌آباد آغاز می‌شده و پس از عبور از زیر زمین در محدوده کاخ گلسـتان به سـطح می‌رسیده است. آب بعـد از خروج از مظهر راه خود را روی شـیب طبیعی زمین پیدا می‌کـرد. جویبارها از میـان محله‌ها می‌گذشـتند و گذرها در کنار آنها شـکل می‌گرفتند. به گفته عابدی، بخشـی از شکل نامنظـم کوچه‌های تهـران قدیم حاصل همین مسـیرهای آب بوده اسـت. او برای نشان‌دادن این موضوع نقشه‌های تاریخی را کنار هم گذاشـته است. در این نقشه‌ها می‌توان ارتباط قنات را با حوض‌های خانه‌ها و مدارس و سراهای بازار دید. آب از زیر زمین بیرون می‌آمد و به بخشی از زندگی مردم تبدیل می‌شد، در حیاط خانه‌ها جریان داشت و در سقاخانه‌ها و آب‌انبارها مورد استفاده قرار می‌گرفت. امروز از بسیاری از این فضاها فقط ساختمان باقی مانده است، برخی حوض‌ها خشـک شده‌اند و حیاط تعدادی از سراها و تیمچه‌های بازار به انبار تبدیل شده است. عابدی می‌گوید در پژوهـش خود با قدیمی‌های بازار تهران صحبت کرده و بارها خاطره آب‌فروشان را شنیده است؛ مردانی که بشکه‌هایشان را در محدوده‌ای نزدیک دانشـکده هنر امروز پر می‌کردند و با اسب در محله‌ها می‌چرخیدند. این خاطره در روایت چند نفر تکرار شـده بود. نگرانی او فقط از بین رفتن مسـیر قنات‌ها نیست؛ بسیاری از کسـانی که زندگی کنار این آب‌ها را به یاد دارند، سالخورده‌اند و خاطراتشان جایی ثبت نشـده است. با رفتن آنها بخشی از تاریخ بازار هم از دست می‌رود.

احیای قنات با چند مترشلنگ

در یکی از تصاویری که عابدی از اقدامات شهرداری منطقه ۱۲ در سال ۱۴۰۱ نشان می‌دهد، آب قنات از یک میله‌چاه در محدوده بالای توپخانه پمپاژ می‌شـود. شـلنگی آب را بـه جوی خیابان می‌رساند و این اقدام به عنوان احیای قنات معرفی شده است.

عابدی با اصل استفاده از آب مخالفتی ندارد؛ اتفاقا در شهری مانند تهران که فضای سـبزش با کم‌آبی روبه‌رو است، این کار را ارزشـمند می‌داند. اعتراض او به تعریف احیاست؛ اینکه آب را از زیر زمین بیرون بیاورند و به جوی بریزند و کار را تمام‌شده بدانند. به اعتقاد او، می‌توان دسـت‌کم در برخـی محدوده‌ها آب را به مسیر تاریخی‌اش برگرداند، حوض‌های قدیمی را دوباره فعال کرد و گذرهایی سـاخت که مردم در امتداد جریان آب با تاریخ محله آشنا شـوند. بازار تهران یکی از مکان‌هایی است که عابدی برای چنین کاری پیشنهاد می‌کند؛ سراها و تیمچه‌هایی که دیگر رونق گذشـته را ندارند و حیاط‌هایشان به انبار کالا تبدیل شده است. او معتقد است احیای آب در کنار تعریف فعالیت‌های تازه می‌تواند بخشی از این فضاها را دوباره محل رفت‌وآمد مردم کند.

نقشه‌ای که عمق ندارد

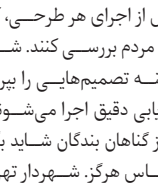
در تهران حتی مشخص نیست همه قنات‌های قدیمی از کجا عبور می‌کنند. عابدی می‌گوید یکی از کامل‌ترین نقشه‌های موجود را سـازمان مدیریت بحران تهیه کرده اسـت؛ نقشه‌ای که هدف اصلی آن، شناسایی خطرهای زیرزمینی بوده، نه ثبت و حفاظت از قنات‌ها. همین نقشه هم به گفته او خطاهای زیادی دارد.

گزارش کامل را در سایت شرق بخوانید

قنات‌هایی که تهران گم کرد

یادداشت

گلوی گلوبندک هم بند آمد



امیرفرض اللهی
روزنامه‌نگار و مستندساز

تاریخ تهران، شهرداران بسیاری به خود دیده اسـت، اما عملکرد شهردار کنونی در حوزه حفاظت از منابع طبیعی و بوستان‌ها و درختان شـهر با انتقادهای جدی همراه بوده اسـت. یکی دیگر از موارد قابل انتقاد در کارنامه او، مدیریت ترافیک تهران است. به‌جای آنکه تصمیم‌ها به گشودن گره‌های ترافیکی شهر کمک کنند، در مواردی نتیجه معکوس داشـته‌اند. اداره شـهری با این وسعت و پیچیدگی نیازمند مدیریت کارآمد و تصمیم‌های کارشناسی است؛ به‌ویژه آنکه این تصمیم‌ها مسـتقیم بـا زندگی روزمره و منافع شـهروندان ارتباط دارند. کارنامه شهرداری در این زمینه پرسش‌های بسیاری برانگیخته اسـت. هزینه‌هایی که از بودجه عمومی صرف می‌شـوند، باید دستاوردی روشن برای شهر و شهروندان داشته باشند، امـا درباره نتیجـه برخی از ایـن هزینه‌ها همچنان تردیدهای جدی وجـود دارد. از پروژه ایستگاه ری در خط ۶ مترو و آنچه بر سر پارک زکریا آمد تا وضعیت نگران‌کننده پارک جنگلی چیتگر، پرسـش درباره نحوه تصمیم‌گیری و هزینه‌کـرد منابع عمومی همچنـان مطرح اسـت. ضروری اسـت شـهرداری درباره هزینه‌های انجام‌شده و میزان پیشرفت این پروژه‌ها و منافع حاصل از آنها برای شهروندان توضیح روشنی ارائه کند. اکنون نوبت به گلوبندک رسیده است. حدود دو هفته است از ابتدای میدان خیام تا چهارراه گلوبندک در بخشـی از مسیر دو بانده نیوجرسـی قرار داده‌انـد تا به گفته مسئولان، ترافیک کاهش پیدا کند. اما آنچه در این مدت مشـاهده می‌شـود، افزایش تراکم خودروها و دشوارترشدن عبور و مرور در این محدوده اسـت. یکی از مشـکلات جدی این چهارراه، نبود گذرگاه مناسـب و ایمن برای عابران پیاده اسـت؛ موضوعی که انتظار می‌رود شـهرداری برای حل آن چاره‌ای اساسی بیندیشـد و امکان احداث روگذر یا زیرگذر را نیز بررسی کند.

آنچه در بسیاری از این تصمیم‌ها کمتر دیده می‌شـود، توجه کافی به بررسی‌های کارشناسی و پیامدهای اجرای طرح‌هاست. اداره تهـران بیش از هر زمـان دیگری به تصمیم‌های سـنجیده و مدیرانی نیاز دارد که پیـش از اجرای هر طرحـی، آثار آن را بر زندگی مردم بررسـی کنند. شـهروندان نباید هزینـه تصمیم‌هایـی را بپردازند که بدون ارزیابی دقیق اجرا می‌شـوند. گویند خداوند از گناهان بندگان شـاید بگذرد اما از حق‌النـاس هرگز. شـهردار تهران بارها بر باورهای دینی و مسـئولیت‌پذیری خود تأکید کرده اسـت. انتظار می‌رود این تأکید در عمـل نیز با رعایت حقوق شـهروندان و پاسـداری از منابع عمومی همراه باشد. کارنامه مدیریت شـهری را بایـد با میزان موفقیت در حل مشـکلات مردم سنجید. از ترافیـک و توسـعه مترو تـا حفاظت از فضای سـبز و کیفیت خدمات شهری. در ایـن حوزه‌ها هنـوز پرسـش‌های فراوانی درباره عملکرد شـهرداری وجـود دارد و شـهروندان حق دارند بدانند تصمیم‌های اتخاذشـده چه نتیجه‌ای برای زندگی آنان داشته اسـت. مدیریت شهری نباید بر پایه سـلیقه‌های فردی پیش بـرود. تهران به برنامه‌ای روشن و تصمیم‌های کارشناسی نیاز دارد. شورای شـهر نیز وظیفه نظارت بر عملکرد شـهرداری را بر عهده دارد اما بـه نظر می‌رسـد انتقادهای مطرح‌شـده تاکنـون به اصـلاح مؤثـر برخـی از این تصمیم‌ها منجر نشده است. انتظار می‌رود شـورا در برابر تصمیم‌هـای بحث‌برانگیز شـهرداری با جدیت بیشـتری از اختیارات نظارتی خود اسـتفاده کند. شـرایط دشوار کشـور نیز ضـرورت دقـت در هزینه‌کرد منابع عمومـی را دوچندان کرده اسـت. در چنیـن وضعیتی هر تصمیـم پرهزینه باید توجیه کارشناسـی و منفعتی روشـن برای مردم داشـته باشـد. نمی‌توان منابع محـدود شـهر را صـرف طرح‌هایی کرد که نتیجه آنها مشـخص نیست یا به‌جای کاهش مشکلات، بر دشـواری‌های زندگی روزمره شـهروندان می‌افزایند. تهران بیش از وعـده و طرح‌هـای پرهزینه به مدیریتی پاسـخ‌گو نیاز دارد. عملکرد شـهردار باید براسـاس نتایج تصمیم‌هایش سـنجیده شود و این پرسش همچنان پابرجاست که حاصل این شیوه مدیریت برای شهروندان چه بوده است؟